ادامه از صفحه ۹

## «تبعیض بانکی»

- براساس اصل۴۴ قانون‌اساسی، نظام اقتصادی جمهوری‌اسلامی‌ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار شده است به‌هر تقدیر تاکنون در رویه‌های قانونگذاری و مقررات‌نویسی دو رویکرد دولتی و خصوصی غالب بوده است و قلمرو غیردولتی و غیرخصوصی که می‌تواند شامل تعاونی‌ها و نهادهای عمومی غیرعمومی (که دولتی و خصوصی نیستند) باشد، فاقد قانون و مقررات خاص خود مانده است و در ادوار مختلف با نوع‌به سلایق و رویکردهای دولت‌ها و... آنها را بعضا تابع ضوابط دولتی یا تابع ضوابط خصوصی می‌دانند و بعضا مصاره به مطلوب از احکام قانونی و مقرراتی صورت می‌پذیرد.

- براساس اصول و سیاست‌های کلی ابلاغی در ارتباط با اجرای اصل ۴۴ قانون‌اساسی، در این ابلاغیه بر ضرورت شکل‌گیری تعاونی‌های فراکیر مالی و نیز تقویت نظام تامین‌اجتماعی از محل منابع حاصل از واگذاری‌های دولتی و به‌ویژه واگذاری سهام‌های قابل‌واگذاری به نهادهای عمومی غیردولتی تاکید شده است فلذا پرواضح است که وقتی این نهادها خودشان از مصادیقی هستند که می‌توانند سهام واگذاری دولت را تملک کنند پس خودشان نمی‌توانند مشمول احکام واگذاری و خصوصی‌سازی براساس اصل ۴۴ باشند.

- در مورد نهادهای عمومی غیردولتی نیز دو حیطه مشخص وجود دارد که بعضا با یکدیگر یکسان فرض می‌شوند. برخی از نهادهای عمومی غیردولتی هستند که بدون اهمیتی یا اینکه منابع دولتی تاسیس شده و ادامه فعالیت می‌دهند نظیر سازمان تامین‌اجتماعی، شهرداری‌ها یا تعاونی‌های فراکیر مالی مشابه با آن. ولی برخی از نهادهای عمومی وجود دارند که با منابع و اعتبارات دولتی تاسیس شده و درحال حاضر نیز بخش اعظم منابع، بودجه، اعتبارات و... مورد نیاز خود را از دولت دریافت می‌دارند و فقط اطلاق نهاد عمومی غیردولتی بر آنها از بابت راهسازی مقررات دولتی و تسهیل و تسریع در تصمیم‌گیری و... صورت می‌پذیرد.

- سازمان تامین‌اجتماعی یکی از مصادیق نهادهای عمومی غیردولتی نوع اول است که بدون آنکه واجد منابع دولتی تکوین یافته و ادامه فعالیت داده است و پرداخت‌های دولت با تعهدات دولت به سازمان جزء از بابت اعطای بودجه، اعتبار یا کمک و مساعدت دولتی نیست بلکه حق بیمه‌هایی است که دولت به‌عنوان سهم کارفرمایی متعهد و منتقل شده است فلذا این نوع نهادهای عمومی غیردولتی با انواع دیگر آن‌که با آنکا و ابتنا به منابع عمومی تاسیس شده و فعالیت می‌نمایند، متفاوت خواهد بود. به‌ویژه آن سازمان تامین‌اجتماعی در ارکان عالی خود به صورت سه‌جانبه (کارگر، کارفرما و دولت) اداره می‌شود.

- به‌موجب قانون بیمه‌های اجتماعی کارکنان و به‌ویژه براساس ماده‌ینج۳ قانون تامین‌اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ که سازمان تامین‌اجتماعی نمایندگان مجری آن تعیین شده است، به‌منظور حفظ و ارتقاء ارزش ذخایر و اندوخته‌های بیمه‌شدگان مقرر شد که مازاد درآمد بر هزینه سازمان تامین‌اجتماعی از طریق بانک رفاه کارگران سرمایه‌گذاری شود (ماده‌ینج۳- ذخایر سازمان نزد بانک رفاه کارگران متمرکز شود که بانک مذکور ذخایر مزبور را تحت‌نظر هیات‌مدیره یا تصویب رئیس‌جمهور به‌صورت سپرده‌گذاری نماید یا به‌صورت دلیل در سال ۱۳۳۷ بانک رفاه کارگران با مشارکت کارفرمایان و بیمه‌شدگان سازمان تامین‌اجتماعی تاسیس شد که در سال ۱۳۵۸ دولت موظف شد ظرف ۴۵ روز متوجه ماهیت بانک رفاه کارگران شد و آن را از حالت مصادره خارج و مالکیت بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران را در بانک رفاه کارگران به رسمیت شناخت.

- از طرفی این بانک علاوه‌بر انجام عملیات معمول بانکداری طبق استانداردها و رویه‌های ابلاغی بانک مرکزی جمهوری‌اسلامی، درواقع به‌عنوان بانک عامل سازمان تامین‌اجتماعی عمل نموده و به‌منظور تسهیل و تسریع در ارایه خدمات سازمان تامین‌اجتماعی به بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران نسبت به ایجاد شعب و باجه‌های خدمات‌رسانی خاص مستمری‌بگیران و بیمه‌شدگان اقدام می‌نماید و به‌نوعی جزلاینفک شعب و مراکز دمانی سازمان تامین‌اجتماعی و یکی از اجزاء و عناصر اصلی خدمات‌رسانی به بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران می‌باشد.

- پروانحت است که احکام مربوطه تحدید سهامداری بانک‌های غیردولتی و تعیین حد برای تملک حداکثر سهام‌ایشان اعم قبیل بانک‌ها، یا حدبل جلوگیری از تطاول ثروت در دست یک یا چندنفر بوده است و در حالی که بانک کارگران متملک به ۴۰۰ میلیون نفر بیمه‌شده و مستمری‌بگیر می‌باشد، نمی‌توان آن را تجاری و خصوصی تلقی نمود و از طرفی هم این بانک نمی‌تواند دولتی باشد چرا که این بانک ماحصل دسترنج و جزیی جیبی میلیون‌ها بیمه‌شده و مستمری‌بگیر در نسل‌های قبل و فعلی می‌باشد.

- درحال‌حاضر براساس مصوبات شورای‌پول‌واعتبار، درنوع اساسنامه برای بانک‌های در کنسور مالک عمل قرار دارد. یکی اساسنامه بانک‌های دولتی و دیگری اساسنامه بانک‌های خصوصی و تعمیم و تسری هر یک از اساسنامه‌های موضوع به بانک رفاه کارگران که ماهیتی عمومی و غیردولتی دارد و خصوصی نیز نیستند محل تامل، اشکال و اعتراض است. این اساسنامه‌ها در حال‌حاضر مشابهت مندرج در اساسنامه نمونه بانک‌های تجاری غیردولتی شورای‌پول‌واعتبار سنگین‌کرد و مالکیت بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران به رسمیت شناخته شود. با اساسنامه نمونه‌ای خاص بانک‌های متعلق‌به نهادهای عمومی غیردولتی نظیر سازمان تامین‌اجتماعی تهیه و به تصویب مراجع ذی‌ربط برسد تا بتوان از ذخایر و اندوخته‌های بین‌المللی کارگران و بیمه‌شدگان صیانت نماید.

ادامه از صفحه ۹

خدمت ایشان رفتم و ماجرا را شرح دادم. وقتی ماده قانونی را برایشان خواندم گفت خیلی قانون مترقی و روشنی است. جطور توجه نشده؟ ایشان بلافاصله نوشتند ماده۱۰۰ برگرده به شهرداری را هم تأکید کردم که متن تنها برای شهرداری تهران نیامده‌اام و حدود ۵۰۰ شهردار با این مشکل مواجه هستند و ایشان هم نوشتند ماده۱۰۰ به کل شهرداری‌ها برگردد. با این کار ۴۰هزار پرونده به شهرداری برگشت و ما با پرونده‌های آنچنانی روبه‌رو بودیم که اصلا معلوم نبود جطور رای صادر شده و نمی‌خواهم وارد مقولات آنها شوم. پس از این ماجراها با کارشناسان و مدیران مجرب فکر کردیم و تصمیم گرفتیم برای ضوابط و بخش‌نامه‌ها تیمی تشکیل شود و در ادامه قرار شد اختیار مناطق را بالا ببریم تا آنها ملا برای ۵۰ تا صدمتر تخلف به ماده۱۰۰ رجوع نکنند. در ادامه متوجه شدیم اگر این موارد برطرف شود نزدیک به ۷۰،۶۰ درصد پرونده‌ها باطل و بخشنامه‌ها راحت می‌شوند. در ادامه هم برای اگاهی مردم دفترچه‌های چاپ کردیم و تمام ضوابط جدید را نوشتیم تا مردم اطلاع داشته باشند و فریب نخورند.

**■ شرایط ساخت‌وساز در آن شرایط نابسامان چطور بود و با آن محدودیت‌ها چطور کنترل می‌کردید؟**

**طباطبایی:** شهرداری با منافع مردم سروکار دارد و گاهی منافع مردم با قانون همسو نیست و طبیعتا مردم ناراضی می‌شوند. برای تراکم هم ضوابط و مقرراتی وجود دارد. آن موقع تراکم در تمام شهر ۱۲۰ درصد بود و حالا جمعیت ثابت به ۸.۷میلیون و جمعیت شناور به بیش از ۱۲میلیون‌نفر رسیده و همه می‌خواهند ساخت‌وساز کنند و وقتی می‌گویی نه، طبیعتا ناراضی می‌شوند. مثلا در مورد همان متال سعادت آباد، حاکم شرع این اجازه را داد و بدون هماهنگی با شهرداری و وزارت مسکن و شهرسازی اقدام کرد و به خیال خودش به مردم خدمت می‌کرد اما هزینه‌هایش را وبال گردن دستگاه ناظری مثل شهرداری کرد. مردم در آن سال‌ها شبانه خانه می‌ساختند و بعد شهرداری مجبور بود تخریب کند، چون سند نداشتند. این شکایات که افرایش یافت باعث دلسردی مسوولان می‌شد و مرتب مورد‌حمله قرار می‌گرفتند. این درگیری‌ها در مورد ساخت‌وساز در دوران مسوولیت آقای حبیبی زیاد شد و بالا گرفت. البته قبل از آن هم درگیری بود و روی هم انباشته شده بود. دست‌ویای شهرداری بسته بود و درعین‌حال مردم خیلی خلاف می‌کردند از سوی دیگر بسیاری از خواده‌ها درگیر جنگ بودند و شرایط خاص داشتند و دادن ۳۰ متر سرپناه برای بچه‌هایشان توقعی نبود. نمی‌توان گفت حق نداشتند ولی می‌بایست قانونی می‌بود. وزارت مسکن هم در این شرایط می‌گفت من درگیر اوقاف هستم و آستان قدس باید اعلام کند که اینها وقف است یا نه؟ و به‌نوعی به هر دستگاهی که کار اراجع می‌دادیم، دستش بسته بود.

**■ از این حرف‌ها یعنی شما شهرداری بودید که زمام امور دستتان نبود؟**

**طباطبایی:** بله. یادتان نرود که انقلاب شده و همه‌چیز زیروزبر شده بود و مسوولان جدیدی سرکار آمده بودند که می‌خواستند قانون را رعایت کنند اما وقتی به قانون مراجعه می‌کردند می‌دیدند دستشان بسته است. لذا آن موقع نامه‌ای به امام دادم و در آن اعلام کردم که طبق قانون و مقررات فعلی شهرداری نمی‌توانیم به بسیاری از شهروندان زیساخت بدهیم و اگر هم شکایت از شهرداری بالا گرفته به این دلیل است.

**■ این اقدام را در دورانی که تنها قائم‌مقام بودید انجام دادید یا زمانی که شهردار هم شدید؟**

**طباطبایی:** از زمان قائم‌مقامی انجمن شهر این موضوع در راستای کمک به آقای حبیبی پیگیری می‌شد اما وقتی به سریع‌ترین افراد آقای حبیبی هم استفاده کرد و در دوران خودم آن را کامل پیگیری کردم. اما گفتند اینها وقف است؟ و هم گفتند تا وقتی که سندی در کار نباشد، باعث سوءاستفاده می‌شود بهتر است زیرنظر کمیسیونی باشد که قائم‌مقام وزیر کشور، شهردار و دادستری در آن حضور داشته باشند. وقتی کمیسیون ماده۱۰۰ برگشت و قانون اصلاح شد این اختیار از انجمن شهر به شهرداری داده شد که تا ۵۰متر به آن افراد متقاضی در سعادت‌آباد امکان ساخت داده شود و این دستور را امام تفویض کردند.

نتیجه آن‌که بانک رفاه کارگران جبزو ذخایر، اندوخته‌ها، سرمایه‌ها و امانت جندین نسل بیمه‌شده و مستمری‌بگیر سازمان تامین‌اجتماعی بوده و امانت. حق‌الناس و یک‌نوع مالکیت مشاع بین‌النسلی است و از این نظر درحال‌حاضر به ۴۰میلیون‌نفر بیمه‌شده و مستمری‌بگیر تعلق دارد و می‌توان آن را سهامی عام‌ترین شرکت و به‌نوعی تعاونی فراکیر مالی قلمداد نمود. جالب اینجاست که در سال ۱۳۵۸ دولت موظف شد ظرف ۴۵ روز متوجه ماهیت بانک رفاه کارگران شد و آن را از حالت مصادره خارج و مالکیت بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران را در بانک رفاه کارگران به رسمیت شناخت.

- از طرفی این بانک علاوه‌بر انجام عملیات معمول بانکداری طبق استانداردها و رویه‌های ابلاغی بانک مرکزی جمهوری‌اسلامی، درواقع به‌عنوان بانک عامل سازمان تامین‌اجتماعی عمل نموده و به‌منظور تسهیل و تسریع در ارایه خدمات سازمان تامین‌اجتماعی به بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران نسبت به ایجاد شعب و باجه‌های خدمات‌رسانی خاص مستمری‌بگیران و بیمه‌شدگان اقدام می‌نماید و به‌نوعی جزلاینفک شعب و مراکز دمانی سازمان تامین‌اجتماعی و یکی از اجزاء و عناصر اصلی خدمات‌رسانی به بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران می‌باشد.

- پروانحت است که احکام مربوطه تحدید سهامداری بانک‌های غیردولتی و تعیین حد برای تملک حداکثر سهام‌ایشان اعم قبیل بانک‌ها، یا حدبل جلوگیری از تطاول ثروت در دست یک یا چندنفر بوده است و در حالی که بانک کارگران متملک به ۴۰۰ میلیون‌نفر بیمه‌شده و مستمری‌بگیر می‌باشد، نمی‌توان آن را تجاری و خصوصی تلقی نمود و از طرفی هم این بانک نمی‌تواند دولتی باشد چرا که این بانک ماحصل دسترنج و جزیی جیبی میلیون‌ها بیمه‌شده و مستمری‌بگیر در نسل‌های قبل و فعلی می‌باشد.

- درحال‌حاضر براساس مصوبات شورای‌پول‌واعتبار، درنوع اساسنامه برای بانک‌های در کنسور مالک عمل قرار دارد. یکی اساسنامه بانک‌های دولتی و دیگری اساسنامه بانک‌های خصوصی و تعمیم و تسری هر یک از اساسنامه‌های موضوع به بانک رفاه کارگران که ماهیتی عمومی و غیردولتی دارد و خصوصی نیز نیستند محل تامل، اشکال و اعتراض است. این اساسنامه‌ها در حال‌حاضر مشابهت مندرج در اساسنامه نمونه بانک‌های تجاری غیردولتی شورای‌پول‌واعتبار سنگین‌کرد و مالکیت بیمه‌شدگان و مستمری‌بگیران به رسمیت شناخته شود. با اساسنامه نمونه‌ای خاص بانک‌های متعلق‌به نهادهای عمومی غیردولتی نظیر سازمان تامین‌اجتماعی تهیه و به تصویب مراجع ذی‌ربط برسد تا بتوان از ذخایر و اندوخته‌های بین‌المللی کارگران و بیمه‌شدگان صیانت نماید.

### گفت‌وگو با مرتضی طباطبایی شهردار ۶۶ تا ۶۸ تهران

# تا ۶ سال آینده تراکم را در تهران فروخته‌اند

**■ در مورد بافت فرسوده و بازار هیچ وقت طرحی داشتید؟**

**طباطبایی:** در دوران مسوولیتم یک گروه فرانسوی و ژاپنی از تهران بازدید کردند و گفتند که اگر می‌خواهید شهران توسعه پیدا کند باید شهرک‌های اقماری ایجاد کنید و به هیچ‌وجه در ارتفاع ورود پیدا نکنید. آقای نیک‌پی خیلی درباره داشت که طبق آن منطقه عودلاجان و بازار از تهران مستقل می‌شد.

**■ این همان طرحی بود که آقای کرباسچی هم می‌خواست انجام دهد؟**

**طباطبایی:** در دوره ما هم قرار بود اجرا شود. آقای نیک‌روش کمربند سبز تهران را اجرا کرد و می‌گفت «می‌خواهم در حاشیه شهر قیرستان هم بگذارم تا مردم فرار کنند و شهرداری توانسته بهتر اینکند.» شهرداران زیادی از زمان نیک‌روش دنبال اجرای این طرح بودند اما امکان آن فراهم نمی‌شد. حتی در دوره‌ای آتش‌سوزی بزرگی رخ داد و ما خواستیم از این طرح استفاده کنیم اما نشد. چون همسه مرکزی بود و امکان جابه‌جایی نبود. برای ورود ماشین‌آلات خدماتی در بسیاری از محلات و خیابان‌ها مشکل داشتیم و متاسفانه بعد از بیش از ۳۰سال هنوز هم همین وضعیت را دارد. برای رفع این مشکلات اعتبار کلانی می‌خواستیم اما دولت کمک نمی‌کرد. چون زمان جنگ بود و بولی وجود نداشت.

آیت‌الله هاشمی از میدانی بود که خیلی خوب به مسایل ما کوش می‌کرد و یادم است برای مشکلات تهران با او صحبت کردم و گفتم اگر پشتیبانی کنید و قلعه مرغی را به ما بدهید بسیاری از مشکلات حا حل می‌شود.

**■ کوپا از همان سال‌های اول همه ارکان‌ها دنبال تملک قلعه‌مرغی بودند؟ موفق شدید؟**

**طباطبایی:** چون ما نمی‌توانستیم بازار را تغییر بدهیم، می‌توانستیم جوانبه و مناطق اطراف آن را بسازیم و بعد به شکل جایگزینی املاک را نوسازی کنیم و بعد آن مناطق متراکم را تخلیه کنیم. ایشان استقبال و با ارتش صحبت کرد و حداقل قسمتی از آن را به شهرداری دادند و ما با همان یک‌تکه‌ای که قرقنیع برای چهلم فوت امام آزادسازی معبر کردیم. این اتفاق کاملا ضربتی رخ داد؛ چرا که می‌خواستیم به این مراسم برسد.

**طبرانی:** مردمی که می‌خواستند از جاده قدیم به حرم بروند باید از کشتارگاه عبور می‌کردند و اگر این دیوار برداشته شود مشکل زیادی حل می‌شد. ضربتی با لودر رفتیم و دیوار را خراب کردیم و هر کسی که زنگ زد و گفت چرا و برای چه بوده، گفتیم برای امام بوده و پیش رفتیم و بزرگوار به‌جای برادر تردد زائران حرم امام باز شد.

یکسی دیگر از ماجراهای همیشگی شهرداری در آن دوران بارندگی‌ها بود. اگر شنیده باشید شهرداران سابق همیشه در بارندگی می‌گفتند «ما غافلگیر شدیم».

**■ البته الان هم همین حرف را می‌گویند!**

**طبرانی:** بارندگی در تابستان احتمال زیادی برای سیل دارد. زمانی که ما به شهرداری تهران آمدیم گل‌ولای سیل شمیران تا پل رومی هم آمده بود. در آنجا زیرگذری بود که پنج‌سال نیمه‌کاره مانده بود و ماالاسال از گل و لای شده بود و مصالح هم نداشتند تا تکمیلش کنند. به من حکم دادند که مسوول بررسی رفع آثار تجاوزات به حریم رسیل‌ها شوم. می‌گفتند که بعد از سد لار دلایلی شمالی زیرگذر تجریش و برای تکمیل پروژه، پنج تن میلگرد به‌زحمت تهیه کردیم؛ چون دوران جوانیه و نمی‌شد انتظاری داشت. کار به جایی رسیده بود که در ارای حرف‌مندی می‌گفتم برای من میلگرد بیاورید و در نهایت کار چندساله، چندماهه انجام شد و محل را یاکسازی کردیم.

مشکل دیگر ما محله بدنام منطقه «جمشید» بود که این‌روزها به همان دروازه قزوین معروف است. آنجا قبل از انقلاب محله بدنامی بود و حتی آیت‌الله خلخالی نتوانست آنجا را خراب کند و موضوع همیشه به اسلحه و جاقوکشی می‌رسید. البته اتفاقی که این محیط‌ها بین مردم و مسوولان و مطالعاتی هم داشت و یک عمق‌گفت جنین فضاهایی برای شهر لازم است. اما من گفتم که این منطقه برای نظام شهری‌اسلامی یک وهن است و چشم‌پوشی از آن قابل‌قبول نیست. در نتیجه با سیاه هماهنگ کردیم و با حمایت آنها، به شکل ضربتی آنجا را جمع و تبدیل به فضای سبز کردیم.

**■ مگر نگفتید آیت‌الله خلخالی از بستان برنمی‌آمد، مردم با شما مقابله نکردند؟**

**طباطبایی:** مقابله کردند و حتما شهرداری به‌تنهایی حریف نمی‌شد. شهرداری هم با نظامی‌ها درگیر شد و گفتند که اگر می‌خواهید شهران توسعه پیدا کند، باید تا مردم با شهر فرار کنند و شهران توسعه پیدا نکند.» شهرداران زیادی از زمان نیک‌روش دنبال اجرای این طرح بودند اما امکان آن فراهم نمی‌شد. حتی در دوره‌ای آتش‌سوزی بزرگی رخ داد و ما خواستیم از این طرح استفاده کنیم اما نشد. چون همسه مرکزی بود و امکان جابه‌جایی نبود. برای ورود ماشین‌آلات خدماتی در بسیاری از محلات و خیابان‌ها مشکل داشتیم و متاسفانه بعد از بیش از ۳۰سال هنوز هم همین وضعیت را دارد. برای رفع این مشکلات اعتبار کلانی می‌خواستیم اما دولت کمک نمی‌کرد. چون زمان جنگ بود و بولی وجود نداشت.

آیت‌الله هاشمی از میدانی بود که خیلی خوب به مسایل ما کوش می‌کرد و یادم است برای مشکلات تهران با او صحبت کردم و گفتم اگر پشتیبانی کنید و قلعه مرغی را به ما بدهید بسیاری از مشکلات حا حل می‌شود.

**■ کوپا از همان سال‌های اول همه ارکان‌ها دنبال تملک قلعه‌مرغی بودند؟ موفق شدید؟**

**طباطبایی:** چون ما نمی‌توانستیم بازار را تغییر بدهیم، می‌توانستیم جوانبه و مناطق اطراف آن را بسازیم و بعد به شکل جایگزینی املاک را نوسازی کنیم و بعد آن مناطق متراکم را تخلیه کنیم. ایشان استقبال و با ارتش صحبت کرد و حداقل قسمتی از آن را به شهرداری دادند و ما با همان یک‌تکه‌ای که قرقنیع برای چهلم فوت امام آزادسازی معبر کردیم. این اتفاق کاملا ضربتی رخ داد؛ چرا که می‌خواستیم به این مراسم برسد.

**طبرانی:** مردمی که می‌خواستند از جاده قدیم به حرم بروند باید از کشتارگاه عبور می‌کردند و اگر این دیوار برداشته شود مشکل زیادی حل می‌شد. ضربتی با لودر رفتیم و دیوار را خراب کردیم و هر کسی که زنگ زد و گفت چرا و برای چه بوده، گفتیم برای امام بوده و پیش رفتیم و بزرگوار به‌جای برادر تردد زائران حرم امام باز شد.

یکسی دیگر از ماجراهای همیشگی شهرداری در آن دوران بارندگی‌ها بود. اگر شنیده باشید شهرداران سابق همیشه در بارندگی می‌گفتند «ما غافلگیر شدیم».

**■ البته الان هم همین حرف را می‌گویند!**

**طبرانی:** بارندگی در تابستان احتمال زیادی برای سیل دارد. زمانی که ما به شهرداری تهران آمدیم گل‌ولای سیل شمیران تا پل رومی هم آمده بود. در آنجا زیرگذری بود که پنج‌سال نیمه‌کاره مانده بود و ماالاسال از گل و لای شده بود و مصالح هم نداشتند تا تکمیلش کنند. به من حکم دادند که مسوول بررسی رفع آثار تجاوزات به حریم رسیل‌ها شوم. می‌گفتند که بعد از سد لار دلایلی شمالی زیرگذر تجریش و برای تکمیل پروژه، پنج تن میلگرد به‌زحمت تهیه کردیم؛ چون دوران جوانیه و نمی‌شد انتظاری داشت. کار به جایی رسیده بود که در ارای حرف‌مندی می‌گفتم برای من میلگرد بیاورید و در نهایت کار چندساله، چندماهه انجام شد و محل را یاکسازی کردیم.

مشکل دیگر ما محله بدنام منطقه «جمشید» بود که این‌روزها به همان دروازه قزوین معروف است. آنجا قبل از انقلاب محله بدنامی بود و حتی آیت‌الله خلخالی نتوانست آنجا را خراب کند و موضوع همیشه به اسلحه و جاقوکشی می‌رسید. البته اتفاقی که این محیط‌ها بین مردم و مسوولان و مطالعاتی هم داشت و یک عمق‌گفت جنین فضاهایی برای شهر لازم است. اما من گفتم که این منطقه برای نظام شهری‌اسلامی یک وهن است و چشم‌پوشی از آن قابل‌قبول نیست. در نتیجه با سیاه هماهنگ کردیم و با حمایت آنها، به شکل ضربتی آنجا را جمع و تبدیل به فضای سبز کردیم.

**■ مگر نگفتید آیت‌الله خلخالی از بستان برنمی‌آمد، مردم با شما مقابله نکردند؟**

**طباطبایی:** مقابله کردند و حتما شهرداری به‌تنهایی حریف نمی‌شد. شهرداری هم با نظامی‌ها درگیر شد و گفتند که اگر می‌خواهید شهران توسعه پیدا کند، باید تا مردم فرار کنند و شهران توسعه پیدا نکند.» شهرداران زیادی از زمان نیک‌روش دنبال اجرای این طرح بودند اما امکان آن فراهم نمی‌شد. حتی در دوره‌ای آتش‌سوزی بزرگی رخ داد و ما خواستیم از این طرح استفاده کنیم اما نشد. چون همسه مرکزی بود و امکان جابه‌جایی نبود. برای ورود ماشین‌آلات خدماتی در بسیاری از محلات و خیابان‌ها مشکل داشتیم و متاسفانه بعد از بیش از ۳۰سال هنوز هم همین وضعیت را دارد. برای رفع این مشکلات اعتبار کلانی می‌خواستیم اما دولت کمک نمی‌کرد. چون زمان جنگ بود و بولی وجود نداشت.

آیت‌الله هاشمی از میدانی بود که خیلی خوب به مسایل ما کوش می‌کرد و یادم است برای مشکلات تهران با او صحبت کردم و گفتم اگر پشتیبانی کنید و قلعه مرغی را به ما بدهید بسیاری از مشکلات حا حل می‌شود.

**■ کوپا از همان سال‌های اول همه ارکان‌ها دنبال تملک قلعه‌مرغی بودند؟ موفق شدید؟**

**طباطبایی:** چون ما نمی‌توانستیم بازار را تغییر بدهیم، می‌توانستیم جوانبه و مناطق اطراف آن را بسازیم و بعد به شکل جایگزینی املاک را نوسازی کنیم و بعد آن مناطق متراکم را تخلیه کنیم. ایشان استقبال و با ارتش صحبت کرد و حداقل قسمتی از آن را به شهرداری دادند و ما با همان یک‌تکه‌ای که قرقنیع برای چهلم فوت امام آزادسازی معبر کردیم. این اتفاق کاملا ضربتی رخ داد؛ چرا که می‌خواستیم به این مراسم برسد.

**طبرانی:** مردمی که می‌خواستند از جاده قدیم به حرم بروند باید از کشتارگاه عبور می‌کردند و اگر این دیوار برداشته شود مشکل زیادی حل می‌شود. ضربتی با لودر رفتیم و دیوار را خراب کردیم و هر کسی که زنگ زد و گفت چرا و برای چه بوده، گفتیم برای امام بوده و پیش رفتیم و بزرگوار به‌جای برادر تردد زائران حرم امام باز شد.

یکسی دیگر از ماجراهای همیشگی شهرداری در آن دوران بارندگی‌ها بود. اگر شنیده باشید شهرداران سابق همیشه در بارندگی می‌گفتند «ما غافلگیر شدیم».

**■ البته الان هم همین حرف را می‌گویند!**

**طبرانی:** بارندگی در تابستان احتمال زیادی برای سیل دارد. زمانی که ما به شهرداری تهران آمدیم گل‌ولای سیل شمیران تا پل رومی هم آمده بود. در آنجا زیرگذری بود که پنج‌سال نیمه‌کاره مانده بود و ماالاسال از گل و لای شده بود و مصالح هم نداشتند تا تکمیلش کنند. به من حکم دادند که مسوول بررسی رفع آثار تجاوزات به حریم رسیل‌ها شوم. می‌گفتند که بعد از سد لار دلایلی شمالی زیرگذر تجریش و برای تکمیل پروژه، پنج تن میلگرد به‌زحمت تهیه کردیم؛ چون دوران جوانیه و نمی‌شد انتظاری داشت. کار به جایی رسیده بود که در ارای حرف‌مندی می‌گفتم برای من میلگرد بیاورید و در نهایت کار چندساله، چندماهه انجام شد و محل را یاکسازی کردیم.

مشکل دیگر ما محله بدنام منطقه «جمشید» بود که این‌روزها به همان دروازه قزوین معروف است. آنجا قبل از انقلاب محله بدنامی بود و حتی آیت‌الله خلخالی نتوانست آنجا را خراب کند و موضوع همیشه به اسلحه و جاقوکشی می‌رسید. البته اتفاقی که این محیط‌ها بین مردم و مسوولان و مطالعاتی هم داشت و یک عمق‌گفت جنین فضاهایی برای شهر لازم است. اما من گفتم که این منطقه برای نظام شهری‌اسلامی یک وهن است و چشم‌پوشی از آن قابل‌قبول نیست. در نتیجه با سیاه هماهنگ کردیم و با حمایت آنها، به شکل ضربتی آنجا را جمع و تبدیل به فضای سبز کردیم.

**■ مگر نگفتید آیت‌الله خلخالی از بستان برنمی‌آمد، مردم با شما مقابله نکردند؟**

**طباطبایی:** مقابله کردند و حتما شهرداری به‌تنهایی حریف نمی‌شد. شهرداری هم با نظامی‌ها درگیر شد و گفتند که اگر می‌خواهید شهران توسعه پیدا کند، باید تا مردم فرار کنند و شهران توسعه پیدا نکند.» شهرداران زیادی از زمان نیک‌روش دنبال اجرای این طرح بودند اما امکان آن فراهم نمی‌شد. حتی در دوره‌ای آتش‌سوزی بزرگی رخ داد و ما خواستیم از این طرح استفاده کنیم اما نشد. چون همسه مرکزی بود و امکان جابه‌جایی نبود. برای ورود ماشین‌آلات خدماتی در بسیاری از محلات و خیابان‌ها مشکل داشتیم و متاسفانه بعد از بیش از ۳۰سال هنوز هم همین وضعیت را دارد. برای رفع این مشکلات اعتبار کلانی می‌خواستیم اما دولت کمک نمی‌کرد. چون زمان جنگ بود و بولی وجود نداشت.

آیت‌الله هاشمی از میدانی بود که خیلی خوب به مسایل ما کوش می‌کرد و یادم است برای مشکلات تهران با او صحبت کردم و گفتم اگر پشتیبانی کنید و قلعه مرغی را به ما بدهید بسیاری از مشکلات حا حل می‌شود.

**■ کوپا از همان سال‌های اول همه ارکان‌ها دنبال تملک قلعه‌مرغی بودند؟ موفق شدید؟**

**طباطبایی:** چون ما نمی‌توانستیم بازار را تغییر بدهیم، می‌توانستیم جوانبه و مناطق اطراف آن را بسازیم و بعد به شکل جایگزینی املاک را نوسازی کنیم و بعد آن مناطق متراکم را تخلیه کنیم. ایشان استقبال و با ارتش صحبت کرد و حداقل قسمتی از آن را به شهرداری دادند و ما با همان یک‌تکه‌ای که قرقنیع برای چهلم فوت امام آزادسازی معبر کردیم. این اتفاق کاملا ضربتی رخ داد؛ چرا که می‌خواستیم به این مراسم برسد.

**طبرانی:** مردمی که می‌خواستند از جاده قدیم به حرم بروند باید از کشتارگاه عبور می‌کردند و اگر این دیوار برداشته شود مشکل زیادی حل می‌شود. ضربتی با لودر رفتیم و دیوار را خراب کردیم و هر کسی که زنگ زد و گفت چرا و برای چه بوده، گفتیم برای امام بوده و پیش رفتیم و بزرگوار به‌جای برادر تردد زائران حرم امام باز شد.

یکسی دیگر از ماجراهای همیشگی شهرداری در آن دوران بارندگی‌ها بود. اگر شنیده باشید شهرداران سابق همیشه در بارندگی می‌گفتند «ما غافلگیر شدیم».

**■ البته الان هم همین حرف را می‌گویند!**

**طبرانی:** بارندگی در تابستان احتمال زیادی برای سیل دارد. زمانی که ما به شهرداری تهران آمدیم گل‌ولای سیل شمیران تا پل رومی هم آمده بود. در آنجا زیرگذری بود که پنج‌سال نیمه‌کاره مانده بود و ماالاسال از گل و لای شده بود و مصالح هم نداشتند تا تکمیلش کنند. به من حکم دادند که مسوول بررسی رفع آثار تجاوزات به حریم رسیل‌ها شوم. می‌گفتند که بعد از سد لار دلایلی شمالی زیرگذر تجریش و برای تکمیل پروژه، پنج تن میلگرد به‌زحمت تهیه کردیم؛ چون دوران جوانیه و نمی‌شد انتظاری داشت. کار به جایی رسیده بود که در ارای حرف‌مندی می‌گفتم برای من میلگرد بیاورید و در نهایت کار چندساله، چندماهه انجام شد و محل را یاکسازی کردیم.

مشکل دیگر ما محله بدنام منطقه «جمشید» بود که این‌روزها به همان دروازه قزوین معروف است. آنجا قبل از انقلاب محله بدنامی بود و حتی آیت‌الله خلخالی نتوانست آنجا را خراب کند و موضوع همیشه به اسلحه و جاقوکشی می‌رسید. البته اتفاقی که این محیط‌ها بین مردم و مسوولان و مطالعاتی هم داشت و یک عمق‌گفت جنین فضاهایی برای شهر لازم است. اما من گفتم که این منطقه برای نظام شهری‌اسلامی یک وهن است و چشم‌پوشی از آن قابل‌قبول نیست. در نتیجه با سیاه هماهنگ کردیم و با حمایت آنها، به شکل ضربتی آنجا را جمع و تبدیل به فضای سبز کردیم.

**■ مگر نگفتید آیت‌الله خلخالی از بستان برنمی‌آمد، مردم با شما مقابله نکردند؟**

**طباطبایی:** مقابله کردند و حتما شهرداری به‌تنهایی حریف نمی‌شد. شهرداری هم با نظامی‌ها درگیر شد و گفتند که اگر می‌خواهید شهران توسعه پیدا کند، باید تا مردم فرار کنند و شهران توسعه پیدا نکند.» شهرداران زیادی از زمان نیک‌روش دنبال اجرای این طرح بودند اما امکان آن فراهم نمی‌شد. حتی در دوره‌ای آتش‌سوزی بزرگی رخ داد و ما خواستیم از این طرح استفاده کنیم اما نشد. چون همسه مرکزی بود و امکان جابه‌جایی نبود. برای ورود ماشین‌آلات خدماتی در بسیاری از محلات و خیابان‌ها مشکل داشتیم و متاسفانه بعد از بیش از ۳۰سال هنوز هم همین وضعیت را دارد. برای رفع این مشکلات اعتبار کلانی می‌خواستیم اما دولت کمک نمی‌کرد. چون زمان جنگ بود و بولی وجود نداشت.

آیت‌الله هاشمی از میدانی بود که خیلی خوب به مسایل ما کوش می‌کرد و یادم است برای مشکلات تهران با او صحبت کردم و گفتم اگر پشتیبانی کنید و قلعه مرغی را به ما بدهید بسیاری از مشکلات حا حل می‌شود.

**■ کوپا از همان سال‌های اول همه ارکان‌ها دنبال تملک قلعه‌مرغی بودند؟ موفق شدید؟**

**طباطبایی:** چون ما نمی‌توانستیم بازار را تغییر بدهیم، می‌توانستیم جوانبه و مناطق اطراف آن را بسازیم و بعد به شکل جایگزینی املاک را نوسازی کنیم و بعد آن مناطق متراکم را تخلیه کنیم. ایشان استقبال و با ارتش صحبت کرد و حداقل قسمتی از آن را به شهرداری دادند و ما با همان یک‌تکه‌ای که قرقنیع برای چهلم فوت امام آزادسازی معبر کردیم. این اتفاق کاملا ضربتی رخ داد؛ چرا که می‌خواستیم به این مراسم برسد.

**طبرانی:** مردمی که